

پروژه پولتر گاست



جان ریدلی که هم سناریست و رمان نویس است و هم کارگردان، این فیلم ترسناک سرشار از تعلیق را براساس داستانی با همین نام ساخته است. فیلم متمرکز بر پسری جوان است که در دهه ۱۹۶۰ میلادی در یک مجتمع مسکونی ویژه افراد کم بضاعت و معمولی روزگار می گذراند اما آنجا با نشانه‌هایی غیر معمولی و ماوراء الطبیعه‌ای مواجه و غرق در هراس می شود. ریدلی به سایت هنری «The Warp» گفته است: «کاراکتر اصلی قصه ما از هر سو تحت تهاجم و تهدید قرار گرفته است و نمی داند که چه کند. بخشی از این تهاجم‌ها قابل درک و واقعی و فیزیکی است و بعضی هم روحی و روانی و شیخ‌وار نشان می دهد و حتی مشکلات نژادی و تهدیدهای طبقاتی هم شامل حال او شده است. قدر مسلم این که او در چنین جامعه نامتوازنی توسط نفرت و بدبینتی‌ها محاصره شده و محالی برای خوب زیستن ندارد اما ستم و سوسی داستان ما او را به غلبه بر این کاستی‌ها و ایجاد محیطی امیدوارانه‌تر برای زندگی سوق می دهد. هر چه باشد، امید حتی شکل صوری و خیالی آن آخرین و بهترین سلاح بشر و مؤثرترین راه برای تفوق بر بدبینی‌ها و ناگامی‌ها است. ما در این فیلم شعار و دستمایه اصلی اکثر محصولات بلوم هاوز را حفظ کرده ایم. این که در عین ترسناک بودن، بینندگان را به چالش‌های جالبی وارد کنیم و وجه سرگرم کننده بودن کارهایمان را نیز هرگز از دست ندهیم.»

نوانحانه



در این فیلم که کارگردانی اش با اکسل کارولین سازنده فیلم «Soulmate» است، با افراد متعدد و متفاوت مقیم در یک نوانخانه و میهمان پذیر در گوشه‌ای از یک شهر کوچک در امریکا آشنا می شویم که به به وضوح حس می کنند محل اقامت‌شان برائز رفت و آمد و رشد و نمو نیروهای ناشناخته و مخرب و عوامل مضر ماوراء الطبیعه‌ای به خطر جدی افتاده است. کاراکتر مرکزی یک زن پیر با بازی باربارا هشری هنرپیشه مسن و پیرسابقه آمریکایی است که پس از ورود به جمع ساکنان این «میهمان پذیر» مخوف همان حس و تصویری را می یابد که ساکنان قبلی آنجا داشته‌اند و گمان او این است که چون این محل را نمی توان از شر این اشباح هولناک نجات داد، فرار از آنجا تنها و بهترین راه برای زنده ماندن است اما بدیهی است که این کار و گریز به آسانی حاصل نخواهد آمد، این زن هرچه به همخانه‌ای‌های جدیدش می گوید که او بر اثر یک اشتباه و تصور واهی به آنجا فرستاده شده، کسی حرف او را نمی پذیرد و به آن اهمیت نمی دهد و این زن که قبل از این انتقال مخسوس از یک سکته قلبی رسته، فرجانی را در انتظار خود می بیند که سخت تر و تلخ تر از هر عارضه سنگین فیزیکی از این دست است.

بیگو

در جامعه‌ای روستایی و در حومه اوک اسپرینگز آمریکا با گروهی از دوستان و افرادی مواجه می شویم که سرکرده‌شان مردی به نام لویتا است و اوست که اتحاد آنها را حفظ می کند و سبب می شود از گذرگاه‌های سخت عبور کنند. با این حال آرامش این جامعه زمانی به هم می ریزد که تالار مرکزی شهر کوچک محل زندگی این افراد که چشم امید آنها است و مردم هر روز و هر شب در آن اجتماع می کنند، به یک خریدار ناشناخته و قدرتمند واگذار می شود و این شایعه بر سر زبان‌ها می افتد که این خریدار از نیروهای ماوراء الطبیعه بهره می گیرد و راهش را به هر سمت و سویی با سلاح زور می گشاید و مغلوب هیچ نیرو و سازمان برتری هم نمی شود. کارگردانی این فیلم را جیمی سول گوتورو انجام داده که ایزودهایی از سریال های تلویزیونی ترسناک «The Purge» و «به درون تاریکی» را هم ساخته و با ساز و کارهای این تبار از فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی کاملا آشنا است.

خانم مارچ



این فیلمی است که الیزابت ماس براساس رمانی از ویرجینیا فیتو با همین نام در دست ساخت دارد و حتی تامین بخشی از بودجه تولید و کارهای اجرایی آن را خود ماس برعهده داشته است. رمان مرجع با داستان «شرلی جکسون» و نظایر آن قیاس شده و درباره یک زن خانه‌دار مستقر در بخش شرقی شهر نیویورک است که روزی در می یابد کاراکتر منفی و پلید رمان ترسناک جدید همسرش براساس کاراکتر او طراحی و ترسیم و ارائه شده و انگار خود اوست. بدیهی است که این کشف تلخ او را به این باور برساند که از دید نزدیکانش هم آدمی معقول و مثبت و شیرین نیست و شوهرش در تمامی سال های زندگی مشترک‌شان به گونه‌ای مخفی از او و سایر اطرافیانش نمونه‌ها و مواردی برای تشکیل بنیادهای آثار هنری خود ساخته و فقط به چشم یک سوژه و وسیله به آنها نگریسته است. کمپانی اسکالور که متعلق به الیزابت ماس است، بخشی از پول ساخت این پروژه را فراهم آورده و در سود حاصله و میزان فروش آن نیز سهیم به حساب می آید.

به پیشواز کارهای جدید وحشت سازترین استودیوی سینمای جهان

تصویری مدرن از دراکولا

رومان روحانی خیرنگار

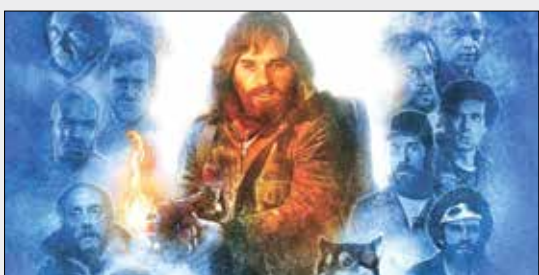
دستاورد بود که بلوم هاوز را از جایگاه یک استودیوی کوچک مستقل ساز به درجه برترین وحشت ساز سینما در میان کمپانی های هالیوودی ارتقا بخشید. این میزان اعتلا سبب شده حتی خنثین کرونا و توان بازدارنده آن نیز محصولات بلوم هاوز را اگرچه دچار تأخیرهای زیاد و پرشمارای در زمان اکران عمومی آنها کرده اما از روند و میزان تولید آثار جدیدشان چندان نکاسته و در ادامه سال ۲۰۲۲ و در یکی دو سال بعدی فیلم های ترسناک جدید و متعددی از درون کارخانه وحشت سازی های ناب بلوم هاوز بیرون خواهد آمد و به حرف روز روز و رونق حاکم در ژانر سینمای وحشت تبدیل خواهد شد. فیلم هایی که این حال و هوا را به ارمغان می آورند و در نوبت اکران قرار دارند یا مراحل فیلمبرداری و «پس از تولید» (Post Production) خود را سپری می کنند، از این قرار هستند.

دراکولای تازه



ساختن هر فیلمی درباره یکی از ترسناک ترین و البته معروف ترین مخلوق های منفی هنرهای نمایشی که همان «کت دراکولا» است، می تواند یک واقعه جالب و ناب باشد و طبیعا این نسخه تازه هم، چنین خواهد بود. این بار کارگردانی و ساخت این نسخه تازه از دراکولا که هنوز نام قطعی آن اعلام نشده، با کاربن کوزاما است که پیشینه تهیه فیلم های ترسناک دیگری مانند «پیگر تنیفر» و «دوت» را هم دارد و تهیه نسخه تازه دراکولا را تحت هدایت و حمایت کمپانی معروف و بزرگ نیویورس سال انجام داده است. در این نسخه از روش های جدیدی هم برای قصه گویی و رساندن مفاهیم مورد نظر بهره گیری شده است و در عین وفادار ماندن کوزاما و همکارانش به سنت و شیوه های قصه گویی در دراکولا و حفظ ساختارهای اصلی مرتبط با او از پدیده هایی مانند داشتن چند راوی مختلف و تشریح اتفاقات از چند منظر متفاوت استفاده می شود. در نهایت دراکولایی مقابل چشم ها شکل می گیرد که اگر چه همان کنت مشهور و بد کردار و شیفته آشامیدن خون انسان ها است اما برخی خصلت های جدید و نادیده هم در وجود وی به تصویر کشیده می شود. کوزاما به سایت خبری و هنری kingcast گفته است: «دراکولا در تعبیر و نسخه ها و توصیف های متعددی که از وی در تاریخ هنر آمده، همیشه مرد هولناک و مرگباری بوده که ادعا و نماد رمانتیک بودن هم داشته و در راه عشق آدم کشته

شینی



«شینی» یا «جیز» عنوان فیلم بسیار موفق و معروفی است که جان کارینتر یکی از سلاطین فیلم های ماوراء الطبیعه ای در سال ۱۹۸۲ ساخت و ۴۰ سال پس از عرضه اش هنوز از بهترین های این ژانر به حساب می آید و در مدارس عالی سینما و در سایر حوزه های حرفه ای آن تقدیر می شود. همسو با چنین نگرش هایی بدیهی است که در تمامی این سال های طولانی ده ها بار بحث بازسازی آن فیلم یا ارائه قسمت های دنباله ای برای آن مطرح شده

مدرس

یک زوج مکزیکی - آمریکایی که به ایالت کالیفرنیا آمریکا کوچ کرده و آن جا کنار سایر مهاجران مکزیکی ساکن شده اند، با پدیده های ترسناک و عوامل ماوراء الطبیعه ای غربیی مواجه می شوند و تصویری را می بینند که نمی دانند واقعی است یا وهم و این فرض و سؤال هم وجود دارد که شاید این پدیده ها از

آتش افروز

از سال ۲۰۱۰ به بعد پیوسته اخبار و شایعاتی پیرامون ساخت یک نسخه تازه از روی این کتاب رمان استیفن کینگ (معروف به سلطان ادبیات وحشت) به گوش خورده و تحرکاتی در این ارتباط شکل گرفته است ولی در یکی دو سال اخیر این تحرکات جدی تر و وسیع تر شده است. بلوم هاوز قول داده است که نسخه تازه «Fire starter» که کاملا صادق و وفادار به اصل قصه باشد و خبر از جذب زاک افرون هم به این پروژه داده و این حرفه ای است که این بازیگر بیشتر یک کمدی باز است که با کارهای ترسناک و دراماتیک کمتر کنار آمده است. نام های متفاوتی برای کارگردانی این فیلم مطرح شده است. ابتدا از آکیوا گولدمن در این ارتباط یاد می شد و سپس اسم فاتیح اکین آمده اما در توافق نهایی ترتیب استفاده از کیت تامس داده شده که پیشینه ساخت فیلم ترسناک «The Vigil» را دارد. داستان استیفن کینگ و به تبع آن فیلمی که براساس این قصه ساخته می شود، راجع به دختر جوانی است که با داشتن نوعی ارتباطات الکترونیکی و ماورایی در مغزش می تواند آتش افروزی کند و جاهای مختلف را منفجر و طعمه حریق نماید. یک نسخه بلند سینمایی دیگر از روی این داستان در سال ۱۹۸۴ با بازی درو باریمورد

مادر طبیعت



این اولین فیلم جیمی لی کورتیس در مقام یک کارگردان خواهد بود و نویسنده متن آن نیز خود کورتیس و راسل گولدمن هستند که دومی از سران کامت پیکچرز، استودیوی فیلمسازی متعلق به کورتیس و رئیس بخش توسعه و تحقیقات آن هم به شمار می آید. کامت پیکچرز به لطف جایگاه محکمی که کورتیس در صنعت سینما دارد و ارتباطات قوی وی قرارداد همکاری سه ساله ای را با بلوم هاوز بسته که براساس آن باید طی این مدت سه فیلم تازه ترسناک را برای این کمپانی بسازد تا به نام بلوم هاوز روانه بازار شود. توضیحات ارائه شده درباره فیلم نخست از

فعالیت های ماوراء الطبیعه ۲



تمامی قسمت های قبلی این فرانتیج بسیار کم هزینه اما پر فروش با نگره و سیستم موسوم به Found Footage ساخته شده و نسخه جدید نیز عاری از این روش نیست. با این حال تفاوت مهم و عمده موجود بین این قسمت با سایر آثار دنباله ای ساخته شده برای فیلم اصلی این است که نوشتن سناریوی آن را به اورن پلي سپرده اند که در اکثر آثار دنباله ای قبلی غایب بوده و ماجراها از قلم او تراوش نکرده بود ولی حالا و به یمن ساخت یک قسمت دنباله ای جدید و احتمالا بهتر، اورن پلي دوباره دست به قلم شده و کارها را طراحی کرده و خط و ربط داستان را به پیش برده است. با وجود این کمپانی بلوم هاوز از ادای هرگونه توضیحی پیرامون مضمون قصه این نسخه جدید و اتفاقات آن احتراز کرده و وعده به فردا و فرداهای بعد و زمان اکران فیلم داده است. قسمت قبلی این سری فیلم ها که بخش ششم بود و با نام مکمل و جنبی «ستم و سوی خیالی» پیش شد، مربوط به سال ۲۰۱۵ می شود و با این که کم سوترین قسمت این فرانتیج نام گرفت اما به رغم داشتن بودجه ای صرفاً ۱۰ میلیون دلاری در سطح جهان ۸۰ میلیون دلار در آمدسازی کرد. مجموع سودسازی شش فیلم قبلی هم از رقم ۹۰۰ میلیون دلار چندان دور نیست و این درحالی است که هنوز بخشی از درآمدهای این فرانتیج در بازار خرید و اجاره نسخه های ویدیویی به طور دقیق محاسبه و اعلام و ضمیمه آمار موجود نشده است.

انتقام جویی



این اولین فیلم بلندی بی جی نوواک بازیگر و کمدین آمریکایی در مقام یک کارگردان است و اینکه او با پیشینه ای در ژانر کمدی کاری خوب و قابل قبول را با مایه های ترسناک بسازد، از توقیف مهم وی سخن می گوید. نوواک از نویسندگان سناریوی نسخه آمریکایی سریال تلویزیونی «اداره» هم بوده و در آن نقش کلیدی رایان هاوارد را نیز ایفا کرده است. هرچه هست، نوواک در حیطه و عرصه جدید کاری اش که فیلم هراس انگیزی همچون «انتقام جویی» است، رل کلیدی یک مجری برنامه های رادیویی را ایفا می کند که مجبور می شود از نیویورک شهر محل زندگی اش به سمت یکی از ایالات و شهرهای جنوبی آمریکا سفر کند تا معماری قتل تکان دهنده همسر سابقش راحل کند و دریابد که چه اتفاقاتی او را به این فرجام تلخ سوق داده است. سایر بازیگران اصلی این فیلم اشتون کاجر، ایسا رای و بوید هالبروک هستند. روند تولید فیلم از ماه مارس ۲۰۲۰ آغاز و نسخه نهایی از ماه اکتبر این سال آماده نمایش شد اما «کوئید ۱۹» در بخش آن تأخیر انداخت و اینک کمپانی بلوم هاوز زمانی بین آبان و آذر ۱۴۰۱ را برای اکران آن در نظر گرفته است. فیلمی که بی جی نوواک مدعی است هرچند دلهره و هراس از سر و روی آن می بارد اما آرامش بخش هم هست و دوستانه ژانرهایی بجز کارهای ترسناک را هم راضی خواهد کرد.

پنج شب در محل فردی

این فیلم براساس یک بازی ویدیویی هراس انگیز با همین نام ساخته شده و متمرکز روی مأمور امنیتی نشانه رستورانی به نام «فردی فازبیر» است که تا وقتی روشنایی روز هست، احساس خطری در این محل نمی کند اما در تاریکی شب شاهد زنده شدن موجوداتی ظاهر آبرده و سربر آوردن آنها در عالم امکان و کارهای جانینکارانه آنان در اطراف خود است که طبعاً نمی تواند مهاری بر آن برزند و اوضاع از آرام و امنیت را در این محل برقرار کند. این فیلم و موضوع اولیه آن و به واقع امتیاز ساخت فیلمی از روی فرانتیج ویدیویی مورد بحث ابتدا توسط کمپانی برادران وارنر خریداری شد و قرار بود کارگردانی به جیل کیتان سپرده شود ولی حالا حق ساخت فیلم متعلق به بلوم هاوز است و از کریس کلمپوس معروف و معمولاً کمدی ساز خواسته اند کارگردانی را برعهده گیرد. به رغم تأخیرهای مکرر و وسیع کرمانی در کامل شدن فیلم و باقی ماندن برخی کارهای مربوط به «Post production» کمپانی بلوم هاوز به موفقیت این فیلم مطمئن است.

به تاریکی شب



این فیلم با کارگردانی ماریت لیگو درباره حمله بیرحمانه خون آشمان و آدمخواران به گوشه ای از نیواورلینز امریکا و تبعات آن است. واکنش اهالی منطقه به این تهاجم، سریع و البته مبتنی بر تلاش صرف برای زنده ماندن است اما فیلم به موازات عنوانش به ما می گوید که فضا و آینده برای افراد به خطر افتاده، به تاریکی شب است و تا صبح نجات، فرصت و فاصله زیادی وجود دارد. مشخصه ها و مسیر داستانی و بافت این فیلم به گونه ای است که می توان ببیندگانگی فراتر و بیشتر از آنچه را که دوستانه کارهای استودیوی بلوم هاوز آن را می پسندند، برای فیلم قایل بود و شاید تمامی طیف های علاقه مند به فیلم های ترسناک متمرکز بر جوانان از این اثر سینمایی استقبال کنند. هنرپیشه های اصلی این فیلم آشیا کوپر، فابریتوزی کویئود، کریگ تبت، کیت دیوید، میسن پوشارم، آبی گیل و فرانکی اسمیت هستند.